نامه ی عمر بن خطاب یکسال پیش از وفاتش با این مضمون به دست ما رسید که: مجوسی هایی را که با محارم خود ازدواج کرده اند، از یکدیگر جدا کنید.

از بجاله روایت است که می گوید: من کاتب جزء بن معاویه عموی احنف بودم که نامه ی عمر بن خطاب یکسال پیش از شهادتش با این مضمون به دست ما رسید که: مجوسی هایی را که با محارم خود ازدواج کرده اند، از یکدیگر جدا کنید. عمر رضی الله عنه از مجوسیان جزیه نمی گرفت تا زمانی که عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه گواهی داد که رسول الله صلی الله علیه وسلم از مجوس هَجَر جزیه گرفته است. (آنگاه عمر رضی الله عنه دستور داد تا از آنها جزیه بگیرند).

[صحیح است] [به روایت بخاری]

از بجاله روایت است که می گوید: من کاتب جزء بن معاویه بودم؛ وی والی عمر بن خطاب رضی الله عنه در اهواز و عموی احنف بن قیس بود؛ نامه ی عمر بن خطاب با این مضمون یکسال پیش از شهادتش به دست ما رسید: مجوسیانی را که با محارم خود ازدواج کرده اند، از هم جدا کنید. و به این ترتیب از ازدواج مجوسیان ذمی با محارم شان مانند خواهر و مادر و دختر منع کرد. چون عملی مخالف با اسلام بود. و به آنها اجازه ی این کار داده نشد هرچند بخشی از دین شان بود. عمر رضی الله عنه از مجوسیان جزیه نمی گرفت تا اینکه عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه گواهی داد که رسول الله صلی الله علیه وسلم از مجوسیان هجر جزیه گرفته است؛ و هجر شهری در بحرین بود.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/64630